اقتصاد ایران

تشکیل کمیسیون ویژه اجرای اصل ۴۴ ۱۲

بورس

تولد بورس‌های کالایی ۱۳

بازار

دلار ۲۲۱ تومان گران می‌شود ... ۱۴

بازار

میوه هم صادر می‌شود، هم گران .. ۱۴

گفت‌وگو با سیدحسین هاشمی، رئیس کمیسیون صنایع

به صنعت اهمیت نمی‌دهیم

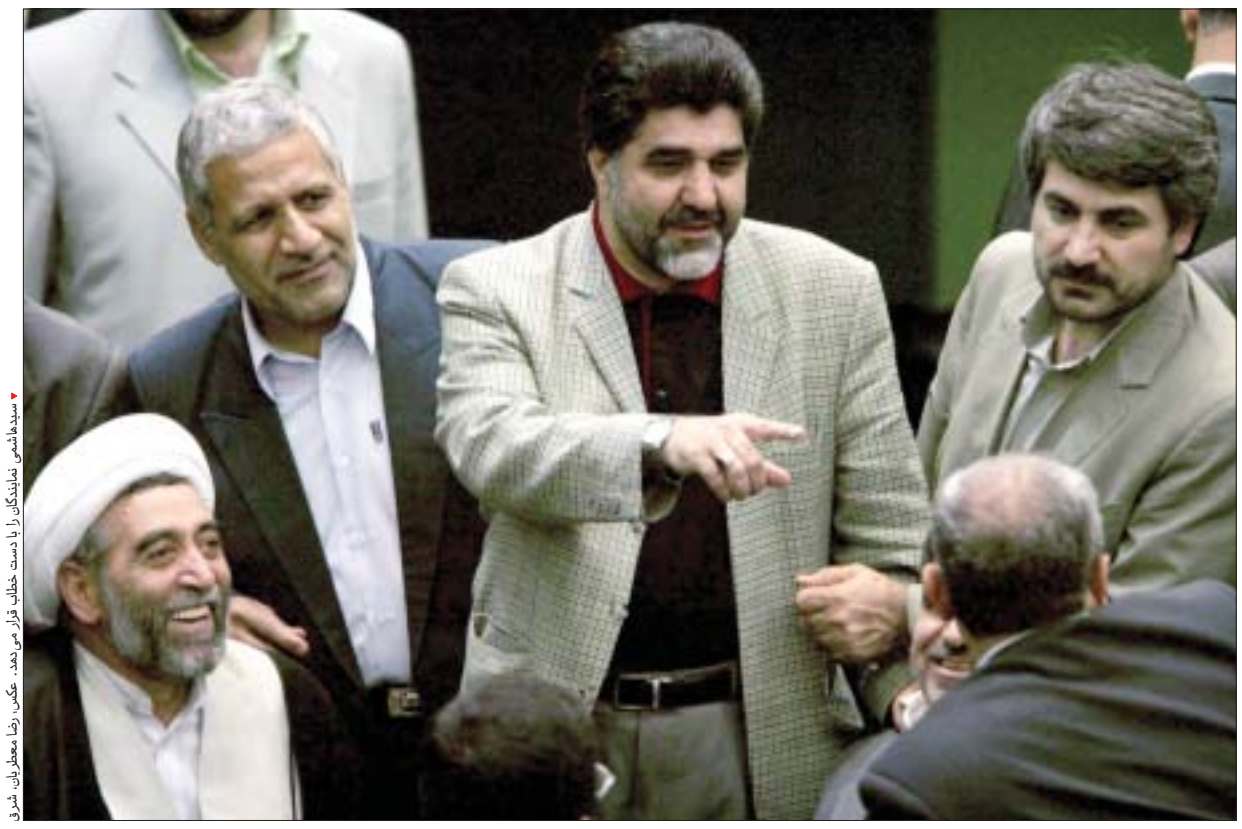

سیدهاشمی نمایندگان را با دست خطاب قرار می‌دهد. عکس: رضا معطریان، شرق

حمزه حسینی: سیدحسین هاشمی در آخرین تغییرات صورت گرفته در مجلس به جای سیدمصطفی سیدهاشمی بر مسند ریاست کمیسیون صنایع و معادن نشست. او عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی و فراکسیون اقلیت مجلس است. در واقع او صاحب بالاترین منصب اصلاح طلبان شده است و حضور او در کمیسیون صنایع با توجه به نظرات و تجربیاتش می‌تواند اندکی از نگرانی‌های صاحب‌نظران را بکاهد.

■■■

■ اگر اجازه بدهید بحث را از چگونگی وضعیت صنعت در ایران شروع کنیم. در حال حاضر برآورد شما از وضعیت صنعت در ایران چیست و رضایت شما را به‌عنوان نماینده مجلس و رئیس کمیسیون صنایع جلب کرده است؟

صنعت کشور ما همواره دست‌خوش حوادث مختلفی بوده است. در دوره‌ای با تحریم مواجه بوده، در دوره‌ای دیگر با توجه به جو موجود در کشور به سمت دولتی شدن رفته است. بعد از جنگ هم با توجه به تلاش دولت سازندگی برای حضور بخش خصوصی در صنعت شاهد بهبود وضعیت بوده‌ایم اما این حرکت به یک‌باره کند شد. در زمان دولت اصلاحات در مقطعی فضای توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی سایه افکند ولی در عرض دو سال فضا مجدداً مناسب شد. مجموعاً این فراز و نشیب‌ها به ما نشان داد که ما استراتژی مشخصی برای صنعت کشور نداریم و زمان‌ها هستند که به ما نشان می‌دهند صنعت را چگونه هدایت کنیم و این آسیب‌پذیری را برای ما به وجود آورد که صنعت ما نتوانست همپای شتاب توسعه صنعتی در سایر کشورها حرکت کند. به‌رغم تمام این مسائلی که به آنها اشاره کردم شاهد بوده‌ایم رشد صنعت دو برابر رشد اقتصاد در ایران است و حتی رشد صنعت بیش از آنکه در برنامه مورد پیش‌بینی قرار گرفت، بوده است. این نشان می‌دهد پتانسیل صنعتی شدن در کشور وجود دارد و اگر صنعت در ایران مورد حمایت قرار گیرد و یک برنامه مشخص برای آن وجود داشته باشد می‌تواند نقش کلیدی را در توسعه اقتصاد کشور و تداوم آن داشته باشد و من احساس می‌کنم با توجه به روند سینوسی که در روند توسعه صنعتی داشتیم و نیز بوروکراسی موجود در سیستم اداری صنعت توانسته است، توانمندی خودش را با همین محدودیت‌ها نشان دهد. اگر فضای مناسب وجود داشته باشد، صنعت ما می‌تواند دستاوردهای بسیار مناسب‌تری را کسب کند.

■ در این میان فکر می‌کنید چه صنایعی در ایران قابلیت رشد بیشتری داشته باشد؟

در بررسی‌هایی که انجام داده‌ام صنایع مزیت‌دار قابلیت بیشتری دارند و در این میان صنایع انرژی‌بر با توجه به موقعیت ایران وضعیت مناسب‌تری دارند و صنایعی که متکی به منابع اولیه داخلی هستند نیز می‌توانند موقعیت مناسبی را پیدا کنند. هر مواد معدنی‌ای را که در نظر بگیریم در صنایع مختلف دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال صنایع پتروشیمی بیش از ۷۰ هزار نوع محصول دارد و هر چه در این بخش‌ها بیشتر سرمایه‌گذاری کنیم ارزش افزوده را زیاد کرده‌ایم و اشتغال‌زایی بیشتری هم داریم و در مجموع سرمایه‌گذاری در این صنایع مزیت‌های زیادی را به دنبال خواهد داشت. یک سری صنایع در دنیا وجود دارد که به خاطر ورود تکنولوژی برتر از یک کشور به کشور دیگر منتقل می‌شود. به هر حال با توجه به اینکه این فرآیند هم وجود دارد، استفاده از این صنایع هم می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد. از ۱۱۹ صنعتی که در دنیا بر طبق تقسیم‌بندی‌های موجود وجود دارد آلمان تنها در ۲۰ رشته صنعتی فعالیت دارد.

■ ایران در چند رشته صنعتی سرمایه‌گذاری کرده است؟

۹۶ صنعت.

■ با توجه به این وضعیت مجلس برای کاهش این پراکندگی و گستردگی چه راهکار و برنامه‌ای دارد؟

وقتی که بگوییم می‌خواهیم عضو WTO شویم. این سازمان برای خودش مکانیسم کاری خاصی دارد و هر کشوری که در آن وارد می‌شود می‌تواند از بازار موجود سهمی را به خود اختصاص دهد. طبیعی است که ما روزی به عضویت این سازمان دربیائیم. ما باید صنایعی را در آن زمان داشته باشیم که توانایی رقابت‌پذیری داشته باشد. این موضوع فقط در جاهایی که ما مزیت داریم محقق می‌شود و همان طور که گفتم ما در صنایع انرژی‌بر و متکی به مواد اولیه موجود در کشور و صنایع تبدیلی کشاورزی مزیت داریم و باید از الان با یک استراتژی مشخص به دنبال صنایعی برویم تا بتوانیم در فضای WTO که وارد می‌شویم بالاخره حرف‌هایی برای گفتن داشته باشیم. اکثر کشورها در حال حاضر عضو هستند و طبیعی است که ما هم باید عضو شویم. این یک سری لوازم و راهکار می‌خواهد و باید خودمان را آماده کنیم. باید ببینیم کدام صنایع جواب می‌دهد و کدام با مشکل مواجه می‌شود و کدام صنایع است که باید بازسازی و یا از رده خارج شود و اگر این کار همراه با یک برنامه مشخص صورت نگیرد متضرر می‌شویم. بنابراین صنایع مزیت‌دار برای ما در حدی است که نه تنها می‌تواند نیازهای ما در حوزه اشتغال را تامین کند بلکه در مجموع در بهبود اقتصاد ملی نیز تاثیر بسزایی دارد. مثلاً در صنایع پائین‌دستی پتروشیمی اصلاً ضرر وجود ندارد. در فرآوری صنایع معدنی نیز وضع به همین صورت است چون دنیا به این مواد نیاز دارد و تقاضا برای این محصولات همیشگی است. ولی این کار به تصمیم‌گیری نیاز دارد تا منابع و ازجمله بخش خصوصی را هدایت کند. در همین ابلاغیه اخیر مقام معظم رهبری در مورد بند «ج» اصل ۴۴ نشان می‌دهد که باید خصوصی‌سازی واقعی صورت گیرد. اگر خصوصی‌سازی واقعی نبوده و همراه با رقابت‌پذیری نباشد امکان موفقیت وجود ندارد. این حرف امثال بنده نیست. علم اقتصاد این را می‌گوید.

■ یعنی شما معتقدید با جهانی شدن و گسترش عرصه رقابت از طریق جهانی شدن پراکندگی موجود در زمینه سرمایه‌گذاری به صورت خودکار از بین خواهد رفت؟

چه بخواهیم و چه نخواهیم مکانیسم موجود چنین برآیندی را خواهد داشت و مجبور می‌شویم به سمت یکسری صنایع مشخص برویم. ما در بیش از ۹۰ رشته داریم فعالیت می‌کنیم و در همه آنها هم گیر کرده‌ایم و به هر حال از این پراکندگی نجات پیدا می‌کنیم.

■ با این بحث‌هایی که صورت گرفت در حال حاضر سرمایه‌گذاری در بخش صنعت چه وضعیتی دارد؟ یعنی می‌خواهم بدانم تفاوتی کرده یا همچنان همان سرمایه‌گذاری‌های پراکنده ادامه دارد؟

فکر می‌کنم بهتر است در اینجا از بحث خصوصی‌سازی شروع کنم. در بحث خصوصی‌سازی و با توجه به اهداف چشم‌انداز و برنامه ۵ساله چهارم که صراحتاً گفته دولت باید تصدی‌گری‌اش را کنار بگذارد. با اصلاح بند «ج» افق‌های امیدوارکننده‌ای را می‌شود دید، اما به شرط این که درست اجرا شود. یعنی خصوصی‌سازی به معنای واقعی اجرا شود. یعنی این که اگر ما بیاییم و یک سیستم دولتی جدید ایجاد کنیم و دوباره دولت را در کارها دخیل کنیم خصوصی‌سازی جواب نمی‌دهد. خصوصی‌سازی در ایران چند گیر عمده دارد که اولین آن بحث فرهنگی است و این مربوط به دولت فعلی هم نیست حتی در زمان اوج جریان خصوصی‌سازی یعنی در زمان دولت آقای هاشمی مشکل فرهنگی وجود داشته است و در آن زمان هم مقاومت‌های جدی صورت می‌گرفت یعنی یک فضای فرهنگی در برابر خصوصی‌سازی وجود دارد. درست است همه می‌آیند، صحبت می‌کنند و از خصوصی‌سازی می‌گویند ولی وقتی وارد عرصه می‌شوند می‌بینیم که می‌خواهند گستره کار دولتی را افزایش دهند. نمی‌خواهم اسم بیاورم اما بعضی از آقایانی که وزیر شده‌اند و یا در جاهای کلیدی قرار گرفته‌اند و در ضمن به خصوصی‌سازی اعتقاد داشتند وقتی که در راس یک سازمان یا وزارتخانه قرار گرفتند نه تنها خصوصی‌سازی نکردند بلکه فقط سازمان خودشان را گسترش داده‌اند.

■ علت این نوع برخوردها چه بوده است؟

دلیلش فضای فرهنگی است. آنها جرات نمی‌کردند و می‌ترسیدند. بالاخره آنها یا می‌ترسند یا نمی‌خواهند زیر سئوال بروند. به نظر من خصوصی‌سازی به آن معنی که در کشورهای دیگر وجود دارد در ایران ایجاد نشده و وجود ندارد.

■ خوب به نظر شما اگر یک مدیری بخواهد خصوصی‌سازی کند باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

در درجه اول حاکمیت باید فضا را ایجاد کند. نمی‌شود که من یک برداشت از خصوصی‌سازی داشته باشم شما هم یک برداشت. چون بحث حاکمیتی است باید مانیفست تهیه شود و چه من خوشم بیاید و چه خوشم نیاید باید آن را قبول کنم. بعد هم بالاخره در این قضیه باید زمینه را برای حضور سرمایه‌های مردم آماده کرد. مردم وقتی وارد کار سرمایه‌گذاری می‌شوند که امنیت وجود داشته باشد. چرا باید پول‌های ما به دوبی و کشورهای دیگر برود؛ این نشان می‌دهد که ما یک گیری داریم. من رسماً اعلام می‌کنم در هیچ جای دنیا مانند ایران سرمایه‌گذاری، سودآور نیست. با این فضا چرا ما با فرار سرمایه‌ها مواجه هستیم؟ متاسفانه سرمایه‌گذار وقتی برای سرمایه‌گذاری می‌آید تلاش می‌کند که تمام سرمایه‌گذاری‌اش را از منابع دولتی فراهم کند. مثلاً اگر ۷۰ درصد سرمایه‌گذاری را از طریق وام تامین می‌کند کاری می‌کند تا باقی سرمایه‌گذاری را هم یک جوری از دولت بگیرد. یعنی می‌خواهد از جیب خودش کمتر هزینه کند چرا که ریسک در ایران بالا است و بالاخره اگر هم مشکلی پیش بیاید می‌گوید مال من که نیست و می‌گذارد و می‌رود. این نشان می‌دهد که ما در یک جاهایی گیر داریم و این مشکلات، مشکلات روشن و شفافی است. باید مسئله امنیت سرمایه‌گذار، ارزش سرمایه‌گذار و احترام به تولید یک فرهنگ و فضاسازی شود. سیستم‌هایی که منجر به تولید می‌شوند باید در خدمت تولید باشند مثلاً بانک و بیمه و قانون کار باید در خدمت باشند اما مانع ایجاد می‌کنند. در کشور ما بخشی‌نگری وسیعی وجود دارد. مثلاً مدیرعامل یک شرکت تولیدی که باید به بحث افزایش تولیدش فکر کند همه‌اش در فکر رفع موانع موجود است. هنوز در ایران سیستمی نداریم که از تولید حمایت کند. من در روز صنعت خطاب به رئیس‌جمهور به مطلبی اشاره کردم. گفتم ما نمی‌خواهیم در حد کشورهای پیشرفته تولید را مورد حمایت قرار دهیم. ما در حد پاکستان هم از تولید حمایت نمی‌کنیم. اگر ما در حد کشور پاکستان و هندوستان از تولید حمایت کنیم با توجه به استعدادهای موجود موفقیت‌های زیادی خواهیم داشت. ببینید با تمام این مضیقه‌ها ما در منطقه اول هستیم. این را ما هم نمی‌گوییم بلکه بانک جهانی گفته است و اگر این موانع از بین برود به صورت اتوماتیک وضعیت بسیار بهتری خواهیم داشت ولی هنوز این فضا ایجاد نشده است. همه از خصوصی‌سازی و حمایت از تولید می‌گویند ولی باید عملیاتی شود و اگر حمایت‌ها واقعی شود هیچ تردیدی ندارم که اهداف چشم‌انداز ۲۰ساله حتماً محقق خواهد شد.

■ خوب شما بحث حمایت را مطرح کردید. فکر می‌کنید بهترین حمایتی که حاکمیت می‌تواند از تولید انجام دهد چیست؟

یک حمایت معقول اعم از قانونی و مقرراتی و . . .

■ ممکن است موردی به قضایا اشاره کنید.

مثلاً فرض کنید قوانین باید برای یک دوره ثابت بماند.

■ یعنی ثبات قوانین مهمترین مورد است؟

نه یکی از آنها است. سیستم بانکی باید در خدمت تولید باشد. تولیدکننده نباید دنبال بانک بدود، بلکه بانک باید به دنبال تولیدکننده بدود. مثلاً گمرک و بیمه نباید به گونه‌ای رفتار کنند که تولیدکننده به دنبال آنها بدود. بالاخره آن چه روشن است این است که بوروکراسی در ایران وحشتناک است. من به یاد دارم یکی از آقایان نماینده رفته بود پروسه ورود یک فرد به وزارتخانه برای گرفتن موافقت اصولی تا رسیدن به مرحله تولید را آورده بود. طول نموداری که درست شده بود به چندین متر رسیده بود و اصلاً چیز عجیب، غریبی بود. آدم که نگاه می‌کرد وحشت می‌کرد. این روش جواب نمی‌دهد باید روان‌سازی شود. سود حلال، حلال است و اگر سرمایه‌گذار خلاف هم کرد نباید با جبر با آن برخورد کرد بلکه باید با قانون با آن برخورد کرد و اگر به حقوق بیت‌المال هم تجاوز کرد به راحتی می‌توانیم با آن برخورد قانونی کنیم. شما نگاه کنید بخش خصوصی‌ای که در کارهای بزرگ سرمایه‌گذاری کند بسیار اندک و انگشت‌شمار است، البته در گذشته هم به همین صورت بوده است.

■ به نظر شما با ابلاغیه اخیر مقام رهبری خصوصی‌سازی در حوزه صنعت چه اثراتی را روی این حوزه خواهد گذاشت؟

ببینید اجرای این خصوصی‌سازی بسیار مهم است یعنی اگر منجر به رقابت‌پذیری شود موفق می‌شود. اگر این نشود جواب نخواهد گرفت.

■ حالا با برآوردهای شما و وضعیت فعلی ایران حرکت اخیر موفق خواهد شد؟

در حکمی که مقام معظم رهبری مطرح کردند نکات مهمی وجود دارد که اگر به این نکات توجه و اجرا شود امیدوارکننده است. مثلاً ایشان گفته‌اند این کار باید با کارشناسی دقیق و از طریق بورس انجام شود و از رانت‌خواری هم جلوگیری شود. حالا در اجرا باید چگونه عمل کنیم؟ به هر حال ورود به بورس یک شرایطی دارد. بالاخره باید این شرایط مهیا شود و اگر تزریقی شرکت‌ها را وارد کنیم این خطرناک است. بعد هم جالب است سهم دولت را که ابتدا مجمع ۳۵ درصد اعلام کرده بود به ۲۰ درصد تقلیل دادند. پشت این فرمان یک خصوصی‌سازی واقعی دیده می‌شود اما باز هم تاکید می‌کنم که نحوه اجرای آن بسیار مهم است یعنی ما باید افکار عمومی را از طریق رسانه‌ها و بحث‌ها آماده کنیم و این یک پروسه بلندمدت است. نمی‌شود یک‌شبه بیاییم و بگوییم واگذار و خلاص. یعنی در ابتدا باید روشن و تبیین کنیم که اصلاً چه کاری می‌خواهد انجام شود. همه باید برای روشن شدن قضیه و نحوه اجرا و درست اجرا شدن آن دخالت کنند. همچنین ستادی که می‌خواهد برای اجرا ایجاد شود بسیار کلیدی و مهم است که اعضای آن چه کسانی هستند. اعضای ستاد باید کسانی باشند که با شرایط اقتصاد ایران آشنا بوده و با دید معقول و منطقی به مسائل نگاه کنند ولی اگر این گونه شرایط مهیا نشود بعد از یک سال باید بنشینیم و بگوییم چرا واگذاری به بحران رسیده است؟ چرا درست اجرا نشده؟ اگر یادتان باشد در برنامه‌های دوم و سوم هم بحث خصوصی‌سازی داغ شده بود. اما این قدر اختلافات زیاد بود که آخر نتوانستیم دبیرخانه آن را درست کنیم. این نشان می‌دهد که این اختلاف نظرها مانعی جدی است و به نظر من هنوز این اختلاف نظرها از بین نرفته است. و خود مقام معظم رهبری باید پیگیر قضیه باشند تا درست اجرا شود. مجلس باید بحث نظارتی خود را تخصصی‌تر از گذشته دنبال کند و آن را درست انجام دهد. دولت هم که وظیفه اجرا را برعهده دارد باید براساس همان موادی که در فرمان وجود دارد عمل کند تا به تدریج بستر مناسب ایجاد شود و مملکت از این قضیه منفعت کند نه اینکه متضرر شود.

■ حالا زمینه موجود فراهم شده است؟

حالا که در ابتدای قضیه هستیم و نمی‌توانیم قضاوت کنیم.

■ مجلس می‌خواهد چه کار کند؟

طبیعی است که ما موظف هستیم نظارت را قوی‌تر کنیم و اگر این کار را نکنیم خلاف وظیفه عمل کرده‌ایم.

■ تا آنجا که به یاد دارم رئیس‌جمهور در سفرهای استانی بعضاً در برابر خصوصی‌سازی‌های صورت گرفته موضع مثبتی نداشتند. فکر می‌کنید در اینجا وضعیت به چه صورتی باشد و برنامه موجود در دولت ایشان موفق خواهد بود؟

بگذارید در مورد وام اشتغال‌زایی زودبازده بحثی را انجام دهم که اول آمدند ۴۶۷۱ طرح را مطرح کردند. و من در این مورد مطلبی را به آقای دانش‌جعفری گفتم. ایشان می‌گفتند که همه طرح‌ها باید توسط بانک توجیه فنی و اقتصادی‌شان تایید شود و من مطرح کردم که اگر فرض کنیم هر طرح توجیهی ۱۰ نفرساعت برای بررسی‌اش لازم باشد می‌شود ۹۵۰ هزار نفرساعت کار و این حجم از توان سیستم بانکی خارج است. بحث بعدی هم که مطرح کردم این بود که بالاخره قرار است این طرح‌ها به کسانی داده شود که نیازمند هستند سریعاً به اشتغال‌زایی برسند و بتوانند زندگی را اداره کنند. کدام آدم از منطقه محروم می‌تواند طرح تهیه کند. اصلاً بعید است. پس این آدم دو راه دارد؛ یا باید کار خلاف انجام دهد که این ایجاد فساد می‌کند و دیگر اینکه افراد زیرک و حرفه‌ای هستند که دنبال قضیه می‌روند و کار را به نتیجه می‌رسانند. خب حالا باید چه کنیم. من پیشنهاد کردم بهترین کار این است که دستگاه‌های ذی‌ربط بیایند و طرح‌های تیپ تهیه کنند و برای هر منطقه باتوجه به استعدادهای آن این کار صورت بگیرد. و کسی که می‌تواند کار انجام دهد برود و طرحی را بگیرد و به کار مشغول شود و دستگاه ذی‌ربط هم بر حسن اجرای کار نظارت کند.

■ آن وقت دیگر همه طرح‌ها توجیه خواهند داشت و تقاضا به یک‌باره افزایش می‌یابد و قاعدتاً جوابگویی هم سخت خواهد بود؟

خب ببینید باید بررسی کنند در هرجا چه چیزی جواب می‌دهد و همان را در اختیار متقاضیان قرار دهند. ما باز با دوستان دیگرمان مطرح کردیم که از محل وام‌های موجود به واحدهایی که می‌خواهند کارشان را توسعه دهند تسهیلات بدهیم بالاخره اشتغال، اشتغال است. خوشبختانه مذاکرات جواب داد و آمدند طرح را اصلاح کردند و فضایی برای بهبود کارها ایجاد کردند و طرح‌های تیپ و اصلاح خط تولید هم وارد بحث شد. یک نگرانی که برای ما به‌وجود آمد و من آن را برای دوستان مطرح کردم این بود که صنایع زودبازده و اشتغال‌زا خیلی خوب است. ما این را رد نمی‌کنیم ولی اگر در سایه این قضیه طرح‌های بزرگ را فراموش کنیم پدر مملکت درمی‌آید و آنها هستند که در اقتصاد ملی نقش کلیدی دارند. و اگر ما بخواهیم سازمان‌های بزرگ مانند سازمان گسترش و پتروشیمی را که نقش توسعه‌ای دارند محدود کنیم برای اقتصاد ما خطرآفرین است. به هر حال دولت کمی سرمایه‌گذاری در کارهای بزرگ را محدود کرده و بخش خصوصی هم وارد نمی‌شود و دولت مجبور است وارد سرمایه‌گذاری‌های بزرگ شود و البته بعداً باید دوباره به بخش خصوصی واگذار شود. به هر حال اینها سکته‌هایی است که فعلاً ما در بحث تولید داریم و امیدواریم دولت اینها را به سرعت اصلاح کند و بعد از این نیز من معتقدم در صنایع کوچک و متوسط نیز ورود بخش خصوصی با کندی صورت می‌گیرد.

■ شما در گرامیداشت روز صنعت حضور داشتید. آقای احمدی‌نژاد در آن روز گفت که ما باید صنایع بزرگ را ریز کنیم.

ببینید همه صنایع بزرگ را نمی‌توان ریز کرد حال ممکن است کار بعضی از صنایع را بتوان بین واحدهای مختلف تقسیم کرد. برای نمونه خودروسازان می‌توانند بسیاری از کارهای خودشان اعم از تولید قطعات را به کارخانه‌های مختلف بدهند و مونتاژها را در یک نقطه انجام دهند. ولی مثلاً صنعتی مانند مس را در نظر بگیرید. فرض کنیم کنسانتره مس را در یک جا تولید کنیم و ذوب و نورد را در جای دیگر. خوب این رفت و آمدها بسیار هزینه‌بر است و در دنیا اصل بر این است که صنایع اینچنینی را متمرکز کنند. و به هر ترتیب امکان ندارد بتوانیم بعضی از صنایع را خرد کنیم. صنایع کلیدی را نباید دستخوش حوادث کرد. این کار به ضرر اقتصاد ملی است.

■ همان طور که خودتان هم اشاره کردید یکی از سیاست‌های دولت نهم گسترش صنایع کوچک و زودبازده است. به هر حال قرار است نیمی از تسهیلات بانک‌ها از سال آینده در اختیار گسترش صنایع کوچک قرار گیرد. خوب با توجه به این وضعیت و سیاست‌های موجود برنامه گسترش صنایع کوچک موفق خواهد بود؟

اگر ابزار و لوازم مورد نیاز را تهیه کنیم این کار می‌تواند موفق شود.

■ منظورتان از ابزار مورد نظر چیست؟

مثلاً یکی از آن بحث طرح‌های تیپ است. از جمله کارهای دیگر این است که مهندسین مشاور در استان‌ها و بخش‌های مختلف را تقویت کنیم تا بتوانند مردم را برای احداث واحدها هدایت کنند. این طرح‌های تیپ هم اگر با امکانات و استعدادهای هر منطقه هماهنگ باشد موفق می‌شود. ولی ما در گذشته هم چنین برنامه‌هایی داشته‌ایم. در دولت آقای خاتمی سه میلیون تومان وام اشتغال‌زایی داده شد اما جواب نداد. و نه تنها جواب نداد بلکه یک بدهکار جدید به وجود آورد. من این نگرانی را دارم که نکند این طرح هم دچار همان سرنوشتی شود که سه میلیون تومان دچارش شد. در ضمن اینکه باید از تجربیات کشورهای جنوب شرق آسیا استفاده شود. به هر حال اگر این قضیه خوب هدایت شود تا یک سال دیگر جواب می‌دهد و اگر هم خوب هدایت نشود باز هم تا یک سال دیگر نتیجه مشخص می‌شود. در طرح وام‌های سه میلیونی ۹۰۰ میلیارد تومان و اما در این طرح ۱۸ هزار میلیارد تومان اعتبار تخصیص داده شد و به همین نسبت که افزایش یافته باید وقت و دقت بیشتر داشت.

■ اگر اجازه دهید باز هم سئوالات را حول محور سیاست‌های دولت نهم ادامه دهیم و به عنوان اولین سئوال این بخش می‌خواستم نظر شما را در مورد عملکرد دولت در حوزه صنعت بدانم و اینکه نقاط ضعف و قوت کار دولت در حوزه صنعت چه بوده است؟

البته دولت ۱۰ ماه است که کار خود را شروع کرده و قضاوت کردن کمی سخت است. ولی با اطلاعاتی که در اختیار ما است سیاست‌های دولت هم نگران‌کننده و هم امیدوارکننده است.

■ در چه بخش‌هایی امیدوارکننده و در چه بخش‌هایی نگران‌کننده است؟

دولت به خوبی به دنبال صنایع انرژی‌بر رفته است و آنها را خوب دنبال می‌کند. اما در یکسری صنایع مانند پتروشیمی احساس من است که دولت آنها را دنبال نمی‌کند و روند نسبت به گذشته کند شده است. این نگران‌کننده است. در حالی که نباید روند صنایعی مانند پتروشیمی کند شود بلکه باید شتابش چندین و چندبرابر شود. در حالی که مزیت بالای ما در این جا است. یا مثلاً واردات بی‌رویه کالاها و بالا و پایین رفتن تعرفه‌ها که بعضی از آنها واقعاً غیرکارشناسی است.

ادامه در صفحه ۱۲

خلاصه گفت‌وگو

۱- صنعت کشور ما همواره دست‌خوش حوادث مختلفی بوده است. در دوره‌ای با تحریم مواجه بوده، در دوره‌ای دیگر با توجه به جو موجود در کشور به سمت دولتی شدن رفته است. بعد از جنگ هم با توجه به تلاش دولت سازندگی برای حضور بخش خصوصی در صنعت شاهد بهبود وضعیت بوده‌ایم اما این حرکت به یک‌باره کند شد.

۲- اجرای این خصوصی‌سازی بسیار مهم است یعنی اگر منجر به رقابت‌پذیری شود موفق می‌شود. اگر این نشود جواب نخواهد گرفت.

۳- در درجه اول حاکمیت باید فضا را ایجاد کند. نمی‌شود که من یک برداشت از خصوصی‌سازی داشته باشم شما هم یک برداشت.

تفسیر اقتصادی

چرخ‌های مربع

معضل بنزین و بلاتکلیفی در تصمیم‌گیری

سعید شیرکوند

اظهارات رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در خصوص تامین ارز مورد نیاز برای واردات بنزین و اظهارنظر سخنگوی دولت مبنی بر عدم تصمیم‌گیری دولت در این زمینه بار دیگر درد کهنه و مزمن بنزین را به رخ شهروندان ایرانی کشید و یک بار دیگر بلاتکلیفی و بی‌درمانی این درد در شرایط فعلی را به همگان نشان داد.

مسئله بنزین و عواقب تداوم روش تامین و توزیع آن در داخل کشور موضوع جدید و مبهمی نیست، همگان در مورد اتلاف منابع کشور، بی‌عدالتی در توزیع آن، گسترش فساد و قاچاق مترتب بر آن و بسیاری دیگر از معایب و ایرادات آن واقف و بر ناکارکردی روش فعلی اذعان دارند، اما سئوالی که برای شهروندان مطرح است نحوه برخورد با این معضل در شرایط فعلی است که در صورت نپرداختن بدان هر روز پیچیده‌تر و ناممکن‌تر می‌شود. برای آنکه شهروندان و خوانندگان محترم این ستون حداقل پاسخی از نگارنده دریافت کرده باشند براساس رویه حاکم بر کشور به ضرس قاطع می‌دانم که در تداوم وضعیت موجود دو راه‌حل متصور است.

الف- اگر شرایط بین‌المللی و مسائل مربوط به انرژی هسته‌ای به جاهای باریک برسد و نهایتاً واردات بنزین با مشکل جدی روبه‌رو شود آنگاه ناچار خواهیم بود که تنها بنزین تولید داخل را توزیع کنیم، در نتیجه طبق سنوات گذشته دور هم سهمیه‌بندی و هم نظام دوقیمتی و هم فساد گسترده مترتب بر آن را خواهیم داشت که البته این راه را ما انتخاب نکرده‌ایم بلکه این راه بر ما تحمیل شده است. بدیهی است که این راه تحمیلی را به ناچار با همه عوارض آن باید برویم.

ب- اگر فشار بیرونی نباشد، قطعاً ارز لازم در اختیار دولت قرار خواهد گرفت و دولت نیز بنزین را وارد و کماکان در اختیار شهروندان قرار خواهد داد زیرا دولتی که بر پایه شعارهای رفع مشکلات معیشتی و آوردن پول نفت بر سر سفره‌های مردم به قدرت رسیده است نمی‌تواند بنزین را از باک‌های اتومبیل مردم دریغ کرده و آن را سهمیه‌بندی کند و عالمانه بسیاری از پیشامدهای غیرقابل پیش‌بینی را به جان بخرد. براساس آنچه گفته شد در هر دو حالت دولت قادر به تصمیم‌گیری در مورد بنزین و مدیریت امور مربوط به آن نیست و تنها ادامه‌دهنده راهی خواهد بود که تاکنون رفته شده است زیرا در هر دو حالت تسلیم وضعیت موجود خواهد بود. حال این پرسش مطرح می‌شود که اگر دولت قادر به حل مشکل بنزین و به طریق اولی حل مسئله مربوط به یارانه نان، برق، آب و . . . نیست پس چه باید کرد؟ جواب این سئوال روشن است زیرا تجربه بشری در بسیاری از کشورها به روشنی نشان می‌دهد که چگونه دولتمردان در برخورد با یک معضل جدی روش‌های متناسب را برمی‌گزینند. لیکن ما در کشورمان همچنان می‌خواهیم چرخ را از نو بسازیم. به طور کلی هنگامی که در اداره امور جامعه معضل جدی وجود دارد برای حل این معضل دو روش به اقتضای دو شرایط متفاوت به کار گرفته می‌شود و جز این دو رویکرد، رویکرد دیگری قابل تصور نیست.

۱- اگر در کشوری افکار عمومی قادر به تشخیص مشکلات و یا قادر به بیان مشکلات جامعه نباشند و به دلیل بی‌اطلاعی و فقدان دانش و بصیرت مردم و یا فقدان ابزارها و شرایط اطلاع‌رسانی چونان بردگان در اختیار حاکمان قرارگرفته‌اند و حاکمان نیز به عنوان اربابان هر چه بگویند و هر چه بخواهند به اجرا می‌گذارند. در هر جامعه‌ای دولت می‌تواند با استفاده از جهالت و بی‌خبری مردم یا سکوت همه‌جانبه آنان هنگام برخورد با یک مشکل و معضل هرچه می‌خواهد صرف‌نظر از مفید یا مضر بودن به اجرا بگذارد و مردم نیز چون نه قادر به تشخیص و نه قادر به اعتراض هستند تسلیم منویات و اراده دولت خواهند بود. در این جوامع حل مشکل صرفاً نیازمند اراده و فرمانروایی دولت است. در این حالت هم می‌توان سهمیه‌بندی کرد، هم می‌توان جلو دورنخی شدن را گرفت و هم می‌توان به رضایت مردم اطمینان داشت و هم می‌توان معضل و مشکل را حل کرد. جوامع کمونیستی سابق تا حدودی مصداق این جوامع بودند.

۲- اگر در کشوری افکار عمومی قادر به تشخیص و قضاوت در مورد سیاست‌های دولت باشند و بدانند تصمیمات دولت تا چه اندازه کارشناسانه و به نفع منافع ملی کشور است در چنین جوامعی هنگامی که با یک معضل اساسی و جدی روبه‌رو می‌شوند که نیازمند جراحی عمیق در برخی بخش‌های اقتصادی و اجتماعی است گره کار توسط مردم و افکار عمومی باز می‌شود. به هنگام برگزاری انتخابات، احزاب و گروه‌ها و کاندیداها با تشریح دقیق معضل برای شهروندان و ارائه راه‌حل‌های پیشنهادی خویش از مردم استمداد می‌طلبند. مردم به هر برنامه‌ای که رای دادند آن برنامه به اجرا گذارده می‌شود و دولت هیچ‌گونه نگرانی‌ای از اعتراضات و مخالفت‌های احتمالی نیز نخواهد داشت. بر این اساس است که دموکراسی را برای حل مشکلات اقتصادی نیز به مدد می‌طلبند. در کشور ما چون روش اول بسیار نشدنی و غیرواقعی است پس تنها می‌توان به امید بهره‌گیری از روش دوم برای مشکلات اقتصادی بوده و در غیر این صورت حکایت همچنان باقی است.